

بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس و کُرد

An Study on the Relationship Between Gender Believes and Family Function of Kourd and Fars Students

S. Khani Majd, M.D. ✉

T. Pourebrahim, Ph.D.

J. Fathabadi, Ph.D.

صدیقه خانی‌مجد ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر تقی پوراابراهیم

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر جلیل فتح‌آبادی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۴/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۷/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۲۱

Abstract

The main purpose of this research was to study comparatively the relationship between gender beliefs and the family function of Kurdish and Fars students. Correlational research method was employed in order to examine the relationship between variables. 200 students from each ethnicity (100 male 100 female) and in total 400 students were selected from university of Kermanshah and Shahid beheshti University based on convenience sampling. Respondents completed Bem Sex Roles Inventory (Bem, 1974) and Family Assessment Device (Epstein, Bishop, Baldwin, 1983).

✉Corresponding author: Hazrat Zeynab High School, Next to the Bus Terminal, Shireen St., Kermanshah, Iran.

Tel: +98-09188568117

Email: sss.majd@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه و مقایسه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کُرد و فارس بود. روش تحقیق حاضر همبستگی بود و برای انجام آن از بین جامعه آماری پژوهش (دانشجویان کُرد دانشگاه کرمانشاه و فارس دانشگاه شهید بهشتی) تعداد ۲۰۰ نفر از هر قومیت (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) و در کل ۴۰۰ نمونه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه عملکرد خانواده (ساخته شده توسط اپستین، بالدوین، و بی‌شاب، ۱۹۸۳) و پرسشنامه باورهای جنسیتی (برگرفته از پرسشنامه باورهای جنسیتی بم، ۱۹۷۴) استفاده شد.

✉نویسنده مسئول: کرمانشاه، خیابان شیرین، جنب ترمینال

اتوبوسرانی شماره ۱ دبیرستان حضرت زینب (س)

تلفن: ۰۹۱۸۸۵۶۸۱۱۷

پست الکترونیکی: sss.majd@yahoo.com

Mean of scores for family function subscales and gender roles were computed and compared for independent samples. Also Pearson Correlation Coefficient between family function components and gender beliefs were measured. Findings revealed that there was not any significant relationship between gender roles' beliefs and family function in Fars students. In Kourd students, significant relationship between androgynous belief and problem solving factor was found. Also we obtained significant relationship between the absolutely feminine belief and problem solving, affective involvement, affective responsiveness, behavior control, and family general function. Comparison of the family function of Kurdish with Fars indicated significant differences between groups in affective involvement factor. Based on the obtained findings, it can be concluded that national and cultural elements are effective elements that can impact the relationship between gender believes and family function. It also can be imagined that Kourds and Fars families are different in affective involvement criterion between their members and showing their interests and sentiments to the other members of the family.

Keywords: Gender believes, Family function, ethnicity.

جهت تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون t برای مقایسه گروه‌های مستقل استفاده گردید. نتایج نشان داد که در دانشجویان فارس بین مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با هیچ یک از مؤلفه‌های پرسشنامه عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود ندارد. در دانشجویان کُرد بین باور دوجنسیتی با مؤلفه حل مسئله و هم‌چنین بین مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و هم‌چنین با عملکرد کلی رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). مقایسه عملکرد خانواده دانشجویان کُرد و فارس نشان داد که بین این دو گروه در خرده-مقیاس آمیختگی عاطفی تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0/001$). با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که مسائل قومی و فرهنگی از عوامل تأثیرگذار بر رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده هستند. همین‌طور تصور می‌شود که خانواده‌های کُرد و فارس در میزان آمیزش بین اعضاء و نشان دادن علائق و عواطف خود به دیگر اعضای خانواده با هم تفاوت دارند.

کلیدواژه‌ها: باورهای جنسیتی، عملکرد خانواده، قومیت.

مقدمه

انسان‌ها، زن و یا مرد به دنیا می‌آیند و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند از او انتظار دارد که به اعمالی که مخصوص هر جنس است بپردازد. کودکان نقش‌ها را در طی فرایند جامعه‌پذیری یاد می‌گیرند و طبق الگوهای زنانه یا مردانه رفتار می‌کنند (گازیو گلینو، ۲۰۰۸). باورهای جنسیتی

مجموعه‌ای از نقش‌های جنسیتی است و شامل ارزش‌ها، رفتارها و علائقی است که هر فرهنگ خاص برای مردان و زنان مناسب می‌داند (حجازی، ۱۳۸۰). عوامل جامعه‌پذیری مثل رسانه‌ها، مدرسه، مذهب، اجتماع همسالان و خانواده وجود دارند که در سال‌های ابتدایی زندگی بسیار تأثیرگذارند (لیندزی، ۱۹۹۴؛ به‌نقل از ویتمن- مک دونالد، ۲۰۰۶).

بم نظریه‌ای تحت عنوان نظریه طرحواره جنسیتی ارائه داد که در آن از تئوری‌های رشدشناختی و یادگیری اجتماعی استفاده کرد و بر فاکتورهای فرهنگی تأکید نمود. فرض این تئوری این است که افراد براساس طرحواره‌های جنسیتی رفتار می‌کنند. کودک آماده است بر اساس تعریف‌های فرهنگ از نقش‌های مخصوص به هر جنس، دانش خود را کدگذاری و سازمان‌دهی کند (گازبو گلیو، ۲۰۰۸). یکی از مهم‌ترین فاکتورها در شکل‌گیری شخصیت فرد، خانواده است. این سیستم روی زندگی افراد تأثیر اولیه داشته و در رضایت از زندگی و سازگاری آن‌ها با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مؤثر است (ترکام، ۲۰۰۵). هر خانواده دارای عملکردی است، مفهوم عملکرد خانواده شامل کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و اطلاعات درباره تلاش اعضاء برای کیفیت زندگی است (بالات^۱، ۱۹۸۹؛ به‌نقل از ترکام و همکاران، ۲۰۰۵). یکی از مسئولیت‌های مهم مرتبط با نقش والدینی و عملکرد خانواده، اجتماعی کردن افراد است و این‌که چه اعتقادی درباره خود و جامعه داشته باشند. تحقیقات نشان داده است که بین عقاید والدین و بچه‌های نوجوان درباره کار، مسائل اقتصادی، سیاسی، مذهبی و هم‌چنین نقش‌های جنسیتی هر جنس، ارتباط وجود دارد (وایت^۲، ۱۹۹۷؛ اگلز^۳، ۱۹۹۰؛ جنینگ و نایمی^۴، ۱۹۶۸؛ ذاکرمن و بارلی^۵، ۱۹۷۹؛ اوکلی^۶، ۲۰۰۱؛ کولیک، ۲۰۰۲؛ دال هوس و فرایدیر^۷، ۱۹۹۶؛ به‌نقل از کولیک، ۲۰۰۵).

اجتماع منبع مهمی برای یادگیری رفتارهای جنسیتی در افراد است؛ علاوه بر آن والدین و دیگر افراد خانواده هم یک حوزه را تشکیل می‌دهند که بر روی یادگیری جنسیتی افراد تأثیر مهمی اعمال می‌کنند (کنینگام، ۲۰۰۱). بر اساس تئوری جامعه‌پذیری نقش جنسیتی این فرض وجود دارد که زنان و مردان جامعه‌پذیری نقش جنسیتی متفاوتی را دریافت می‌کنند. بنابراین به مردان تلقین می‌شود که نقش ضروری آن‌ها در زندگی کار در بیرون از خانه و نان‌آوری است و به زنان نیز تلقین می‌شود که نقش مهم آن‌ها مراقبت از سلامت خانواده، همسری، مادری و خانه‌داری است (بیم^۸، ۱۹۹۳؛ بونیلا^۹، ۱۹۹۸؛ کالوو^{۱۰}، ۲۰۰۲؛ کانراد^{۱۱}، ۲۰۰۰؛ وود و اگلی^{۱۲}، ۲۰۰۲؛ اکواربال^{۱۳}، ۱۹۹۲؛ به‌نقل از کالوو- سالگورو، ۲۰۰۸). هنجارهای جنسیتی به‌وسیله والدین، همسالان، معلمان، مذهب و رسانه‌ها یاد گرفته می‌شوند و تنها با جنسیت بیولوژیکی تعیین نمی‌شوند (گریگان^{۱۴}، ۱۹۹۱؛ پلک^{۱۵}، ۱۹۹۵؛ به-نقل از انگلار- کارلسون، ۲۰۰۴). این نهادها، نقش‌های جنسیتی را به‌عنوان هنجاری که افراد باید از آن تبعیت کنند، نشان می‌دهند و پیروی از این هنجار را پاداش داده و عدم هم‌نوایی با این هنجارها را مورد تنبیه قرار می‌دهند و به این شکل نقش‌های مورد نظر خود را در افراد درونی می‌کنند.

طبق باورهای جنسیتی کلیشه‌ای، مردان ویژگی‌هایی مثل پرخاشگری، واقع‌بینی و استقلال را دارا هستند و زنان درمقابل، ضعیف، منفعل و وابسته به مردان هستند. در واقع کلیشه‌ها تفاوت موجود بین زن و مرد را ناشی از تفاوت زیستی و جنسی آن‌ها بیان می‌کنند. در حالی که تفاوت رفتاری و شخصیتی بین زن و مرد، بیشتر ناشی از فاکتورهای اجتماعی مثل عمل جامعه‌پذیری، پاداش و تنبیه اجتماعی، انتظارات و موقعیت‌های مختلف است (باسو^{۱۶}، ۱۹۹۲؛ به نقل از دراست، ۲۰۰۴).

عقاید جنسیتی با ساخت‌های بی‌شماری پیوند دارند و ممکن است برای زندگی حال و آینده نوجوانان پیامد جدی داشته باشند. مثلاً می‌توانند بر اعتماد به نفس، افسردگی، تصور از خود، اختلال خوردن، انجام اعمال ناملازم، رفتارهای شدید انحرافی، رفتارهای جنسی و کلیشه‌های شغلی مبنی بر جنسیت تأثیر داشته باشد (موریسون^{۱۷}، ۱۹۹۴؛ چی یو، پروچ و تولمن^{۱۸}، ۲۰۰۵؛ بارت و وایت^{۱۹}، ۲۰۰۲؛ گرشون و همکاران^{۲۰}، ۲۰۰۴؛ شیرر، ۲۰۰۵؛ به نقل از کینیوی، ۲۰۰۸). اگرچه تفاوت‌هایی بین زن و مرد مشاهده می‌شود، اما آن‌ها بیش از آن که متفاوت باشند از لحاظ رفتاری و شخصیتی به هم شبیه هستند. برای مثال، بعضی زن‌ها به اندازه مردها پرخاشگر هستند و درجه پرخاشگری بعضی مردها مانند زن‌ها کم است (وارتن^{۲۱}، ۲۰۰۵؛ به نقل از، ویتمن - مک دونالد، ۲۰۰۶).

تحقیقات نشان داده که نوجوانان عقاید جنسیتی بزرگسالان را یاد می‌گیرند و با هم‌نواپی همسالان خود در پیروی از هنجارهای جنسیتی، آن‌ها را تقویت می‌کنند (یوربرگ^{۲۲}، ۱۹۷۹، گلامبوس و همکاران^{۲۳}، ۱۹۸۵؛ چامبرز، تاینکل و وانلون^{۲۴}، ۲۰۰۴؛ به نقل از کینیوی، ۲۰۰۸). یافته‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای والدین براساس جنس فرزندان نشان متفاوت است. این رفتارها شامل تشویق به گرمی و تأثیرپذیری برای دختران و تشویق به استقلال و موفقیت برای پسران است (شیرر، ۲۰۰۷).

الگوهای جنسیتی، ساختار و تجربه‌های خانواده ممکن است به‌وسیله طبقه و قومیت تغییر کنند و عضویت در قوم و طبقه، عقاید نقش جنسیتی را شکل می‌دهد (هالی و والدز، ۱۹۹۶). غزال رید (۲۰۰۳) دریافت که قومیت و مذهب تأثیر زیادی بر روی نگرش‌های نقش جنسیتی زنان دارد و زنان عرب - آمریکایی با اعتقادات مذهبی، نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر به نقش‌های جنسیتی سنتی اعتقاد داشتند. با توجه به مطالبی که نشان می‌دهند فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون نقش‌ها و خصوصیات زنان و مردان را متفاوت و حتی گاهی مغایر تعریف می‌کنند، پرسش این است که: «آیا تفاوتی بین رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده، در دو جامعه گُرد و فارس که دو قومیت متفاوت را تشکیل می‌دهند، وجود دارد؟»

در رابطه با چگونگی شکل‌گیری مفهوم باورهای جنسیتی نظریه‌های مختلفی وجود دارد. طبق رویکرد زیستی تقسیم وظایف بین زن و مرد، ریشه در تفاوت‌های فیزیکی و ذاتی بین دو جنس دارد.

اساس این رویکرد بر این استدلال استوار است که زنان و مردان با تفاوت در خصیصه‌های شخصیتی‌شان رشد می‌کنند. هم‌چنین، در این رویکرد این فرض وجود دارد که تفاوت‌های ذاتی، رفتار زنانه و مردانه را تعریف می‌کنند و شکل می‌دهند. براساس این رویکرد یک‌سری باورهای متفاوت نیز درباره هر جنس وجود دارد، که پایه کلیشه‌های جنسیتی و انتقال حدود فرهنگی هستند. برای مثال زنان، سطوح بالای ارتباط را نشان می‌دهند که شامل گرمی، مراقبت و رابطه با دیگران است و در مقابل، مردان با توجه به خصوصیات شخصیتی، متکی به خود هستند و روی دیگران اعمال قدرت می‌کنند (آرچر^{۲۵}، ۱۹۹۶؛ ویلیامز و بست^{۲۶}، ۱۹۹۰؛ کامپ بل و مانکر^{۲۷}، ۱۹۹۸؛ به‌نقل از کولیک، ۲۰۰۵).

بر اساس تئوری جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، این فرض وجود دارد که زنان و مردان جامعه‌پذیری نقش جنسیتی متفاوتی را دریافت می‌کنند. بنابراین به مردان تلقین می‌شود که نقش ضروری آن‌ها در زندگی، کار در بیرون از خانه و نان‌آوری است و به زنان نیز تلقین می‌شود که نقش مهم آن‌ها مراقبت از سلامت خانواده، همسری، مادری و خانه‌داری است (بم، ۱۹۹۳؛ بونیل، ۱۹۹۸؛ کالوو، ۲۰۰۲؛ کانراد، ۲۰۰۰؛ وود و اگلی، ۲۰۰۲؛ اکواریال، ۱۹۹۲؛ به‌نقل از کالوو- سالگورو، ۲۰۰۸).

به این ترتیب زنان و مردان کلیشه‌های مربوط به زنانگی و مردانگی را براساس جامعه‌پذیری نقش جنسیتی درونی می‌کنند (بونیل، ۱۹۹۸؛ ماتسوماتو^{۲۸}، ۱۹۹۶؛ آنگر^{۲۹}، ۱۹۹۰؛ به‌نقل از کالوو- سالگورو، ۲۰۰۸). در فرایند جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، مردان و زنان به استانداردها، هنجارها و انتظارات جامعه درباره رفتار زنانه و مردانه باور پیدا می‌کنند. مدل‌های رفتاری اغلب از کودکی به فرد آموزش داده می‌شود و به او گفته می‌شود که چه کاری را باید انجام داده و چه کاری را نباید انجام دهد. مثلاً این که پسرها نباید گریه کنند (لیندزی^{۳۰}، ۱۹۹۰؛ گود، بورست و والا^{۳۱}، ۱۹۹۴؛ به‌نقل از دراست، ۲۰۰۴).

برای تبیین مفهوم عملکرد خانواده هم نظریه‌هایی مطرح شده است. نظریه سیستم‌ها و نظریه نقش‌ها از جمله آن‌ها هستند. تئوری سیستم‌های خانواده بر روی این مطلب تأکید دارد که افراد نمی‌توانند خود به‌تنهایی زندگی کنند. در واقع افراد با هر رفتاری که از خود نشان می‌دهند بر افراد دیگر تأثیر می‌گذارند. در خانواده یک عمل فرد بر روی دیگران تأثیر گذاشته و به‌وسیله واکنش و پاسخ‌های آن‌ها تقویت می‌شود و این واکنش و پاسخ هم بر دیگر افراد خانواده تأثیر گذاشته و این فرایند ادامه می‌یابد (بیورز و هامپسون^{۳۲}، ۱۹۹۰؛ باسزورمنیا- ناگی و اسپارک^{۳۳}، ۱۹۸۴؛ مینوچین و فیشرمن^{۳۴}، ۱۹۸۱؛ به‌نقل از، ساد، ۲۰۰۸).

در نظریه نقش‌ها، هالی (۱۹۷۳)، معتقد است که در حال حاضر خانواده به‌طور فزاینده نظامی یکپارچه از نقش‌های متقابل به حساب می‌آید. بنابراین خانواده در حکم یک واحد، برحسب درجه ادراک نقش و واکنش متقابل میان نقش‌های اعضاء مختلف، به‌طور مناسب یا نامناسب عمل می‌کند. موفقیت یا سازگاری زناشویی را می‌توان بر طبق میزان همخوانی زن و شوهر از نقش‌های اصلی و

خاصشان تعریف کرد. دو نقش اصلی، نقش‌های ابزاری و بیانی است. نقش ابزاری متعلق به شوهر، و نقش بیانی بیشتر مربوط به زن است. کار و به‌دست آوردن پول و مسائل بیرون از خانه، نقش ابزاری و حفظ روابط رضایت‌آمیز در درون خانواده و بیان احساسات که بخشی از روابط خصوصی است، نقش بیانی است. اما این کارکردها انحصاری نیست، مثلاً زن ممکن است، خرید خانه را انجام دهد یا به مدرسه فرزندانش سرکشی کند و یا شوهر امکان دارد به رفع درگیری بین فرزندانش بپردازد یا به همسرش ابراز علاقه کند (به نقل از میرزاجانی، ۱۳۸۶).

تعدادی از مطالعات، ارتباط بین عقاید جنسیتی والدین و فرزندان، و همین‌طور ارتباط بین عقاید جنسیتی با قومیت را دریافته‌اند. برای مثال کانینگام (۲۰۰۱) دریافت که بین تقسیم کار منزل و عقاید نقش جنسیتی نوجوان و باور در مورد تقسیم ایده‌آل در سال‌های بعد رابطه وجود دارد. کولیک (۲۰۰۵)، در تحقیقی دریافت که بین نگرش‌های جنسیتی مادران و فرزندان صرف‌نظر از جنس فرزندان ارتباط وجود دارد؛ ولی این ارتباط با نگرش‌های جنسیتی پدر و هر دو جنس فرزندان وجود نداشت. علاوه بر این دریافت که مادرها و نوجوانان آسیایی - آفریقایی نسبت به هم‌تایان اروپایی - آمریکایی خود، بیشتر عقاید سنتی درباره نقش‌های جنسیتی دارند. در نهایت، بین نگرش‌های جنسیتی و کلیشه‌های قومی والدین و فرزندان همبستگی وجود داشت.

لوی، کیم و پیرز^{۳۵} (۲۰۰۵) (به نقل از پنینگز، ۲۰۰۹) دریافتند که محیط خانوادگی پیش‌بینی‌کننده رفتارهایی است که افراد از خود نشان می‌دهند. محیط خانواده باید بین ویژگی‌های طبیعی کودک و رفتارهایی که یاد می‌گیرد هماهنگی ایجاد کند. مطالعات گوناگون این انگاره را تأیید می‌کند که جنسیت به تنهایی تجارب انسان‌ها را شکل نمی‌دهد و عوامل دیگری مانند قومیت نیز هم‌زمان می‌تواند زنان و مردان - بلکه زنانگی و مردانگی - را جهت دهد. با در نظر داشتن این که ویژگی‌های یک قوم می‌تواند در عملکرد خانواده متجلی شود، این پژوهش با هدف تعیین رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کرد و فارس انجام شد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

از آن‌جا که در پژوهش حاضر دو متغیر اصلی پژوهش یعنی عملکرد خانواده و باورهای جنسیتی بدون هیچ‌گونه دستکاری و در شرایط طبیعی اندازه‌گیری شده و سپس رابطه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته، لذا روش پژوهش حاضر همبستگی است. جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه رازی می‌باشد. نمونه شامل ۱۰۰ دانشجوی دختر و ۱۰۰ دانشجوی پسر گُرد زبان دانشگاه رازی و هم‌چنین ۱۰۰ دانشجوی دختر و ۱۰۰ دانشجوی پسر فارس زبان دانشگاه شهید

بهشتی و در مجموع ۴۰۰ نفر است. از آنجا که آماری از تعداد و چارچوب دانشجویان گرد و فارس در دست نبود، لذا در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه باورهای جنسیتی: بَم در سال ۱۹۷۴ پرسشنامه BSRI^{۳۶} را ارائه داد که شامل ۶۰ ویژگی بود: ۲۰ ویژگی مردانه، ۲۰ ویژگی زنانه و ۲۰ ویژگی غیرکلیشه‌ای (برزگری، ۱۳۸۶). ظهرونند (۱۳۸۵)، پس از اجرای مقدماتی (پایلوت) این آزمون بر روی ۱۴۷ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی شهر تهران، براساس تحلیل عوامل و نظر صاحب‌نظران ۱۶ گویه که با دیگر گویه‌های ابزار، هماهنگی لازم را نداشت حذف کرد، به این ترتیب این پرسشنامه شامل ۴۶ گویه است که ترکیب مناسبی از ویژگی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی می‌باشند (به نقل از برزگری، ۱۳۸۶). حجازی (۱۳۸۰)، در پژوهش خود، پرسشنامه بَم را مورد تحلیل عاملی اکتشافی قرار داد و پنج عامل کاملاً مردانه (باور در مورد رفتارهایی که فقط مردانه دانسته می‌شوند)، تقریباً مردانه (باور در مورد رفتارهایی که بیشتر مردانه شناخته می‌شوند)، نقش‌های دوجنسیتی (باور در مورد رفتارهایی که هر دو جنس می‌توانند داشته باشند)، تقریباً زنانه (باور در مورد رفتارهایی که بیشتر زنانه شناخته می‌شوند) و نقش کاملاً زنانه (باور در مورد رفتارهایی که فقط زنانه دانسته می‌شوند) به‌دست آورد. بَم در استفاده از ابزار باورهای جنسیتی ضریب قابلیت اعتماد آن را در بعد زنانگی ۰/۸۰ و در بعد مردانگی ۰/۸۶ گزارش نموده است. ظهرونند (۱۳۸۱)، در پژوهش خود ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه باورهای جنسیتی را ۰/۸۱ به‌دست آورده و در پژوهش (۱۳۸۵) قابلیت اعتماد آن را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ گزارش نموده است (به نقل از برزگری، ۱۳۸۶).

پرسشنامه سنجش خانواده (FAD)^{۳۷}: پرسشنامه‌ای ۶۰ سؤالی است که برای سنجش عملکرد خانواده، توسط اپستین، بالدوین، و بی‌شاب در سال ۱۹۸۳ بنابر الگوی مک‌مستر، تدوین شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). این آزمون دارای شش خرده‌مقیاس حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخگویی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و یک نمره به‌عنوان عملکرد کلی می‌باشد. تمام هفت مقیاس آن همسانی درونی قابل توجهی دارند (آلفای کرونباخ ۰/۷۲ تا ۰/۹۲). اعتبار و بازآزمایی آن در عرض یک هفته رضایت‌بخش بود (۰/۶۶ تا ۰/۷۶) (به نقل از موسوی، ۱۳۸۵). با توجه به نتایج تحلیل پرسش‌ها در پژوهش رضایی و میرعنایت (۱۳۷۸)، سؤال‌های ضعیف اصلاح شد و پرسشنامه به صورت ۶۰ سؤالی استفاده شد. در مطالعه آن‌ها، همسانی درونی این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۵ و اعتبار بازآزمایی آن بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۸ به‌دست آمد که اندکی کمتر از همسانی درونی و اعتبار فرم اصلی آن است. در پژوهش ملک‌خسروی (۱۳۸۲) بین خرده

مقیاس‌های آن آلفای کرونباخ ۰/۵۱ تا ۰/۹۴ به‌دست آمد و هم‌چنین بین تمام خرده‌مقیاس‌ها و عملکرد کلی خانواده همبستگی ۰/۴۷ تا ۰/۹۷ به‌دست آمد (به‌نقل از موسوی، ۱۳۸۵).

یافته‌ها

در این پژوهش ما ابتدا به بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان فارس پرداخته و سپس این رابطه را در دانشجویان گُرد بررسی کردیم. در نهایت به مقایسه عملکرد خانواده در دانشجویان گُرد و فارس پرداخته شد.

برای بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان فارس از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس

مؤلفه‌ها	شاخص آماری	حل مسئله	ارتباط	نقش‌ها	آمیختگی عاطفی	پاسخگویی عاطفی	کنترل	عملکرد کلی
باور کاملاً مردانه	همبستگی	-۰/۰۰۶	۰/۱۱۰	۰/۰۱۰	۰/۰۸۶	-۰/۰۲۵	۰/۰۳۸	۰/۰۳۹
	سطح معناداری	۰/۹۳۳	۰/۱۲۱	۰/۸۹۰	۰/۲۲۷	۰/۷۲۸	۰/۵۹۴	۰/۵۸۵
باور کاملاً زنانه	همبستگی	-۰/۰۷۳	۰/۰۲۱	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۷	-۰/۰۳۵	-۰/۰۹۵	-۰/۰۴۲
	سطح معناداری	۰/۳۰۷	۰/۷۷۰	۰/۵۲۲	۰/۸۱۲	۰/۶۲۴	۰/۱۸۲	۰/۵۵۳
باور دوجنسیتی	همبستگی	۰/۰۶۴	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	-۰/۰۵۳	-۰/۰۵۰	-۰/۰۱۶
	سطح معناداری	۰/۳۶۸	۰/۹۲۵	۰/۹۱۶	۰/۹۸۷	۰/۴۵۴	۰/۴۸۶	۰/۸۱۷
باور تقریباً مردانه	همبستگی	۰/۰۸۸	۰/۱۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۶۴	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱۲	۰/۰۴۲
	سطح معناداری	۰/۲۱۷	۰/۱۵۴	۰/۹۱۶	۰/۳۷۲	۰/۹۸۸	۰/۸۶۸	۰/۵۵۵
باور تقریباً زنانه	همبستگی	-۰/۰۹۰	-۰/۰۹۰	-۰/۱۱۹	-۰/۰۶۵	-۰/۱۲۶	-۰/۰۸۷	-۰/۱۱۸
	سطح معناداری	۰/۲۰۵	۰/۲۰۵	۰/۰۹۳	۰/۳۵۸	۰/۰۷۶	۰/۲۲۲	۰/۰۹۷

مطابق با جدول ۱ مؤلفه‌های کاملاً مردانه، کاملاً زنانه، دوجنسیتی، تقریباً مردانه و تقریباً زنانه در پرسشنامه باورهای جنسیتی با هیچ یک از خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه عملکرد خانواده و همین‌طور با عملکرد کلی خانواده رابطه معنادار ندارند.

به منظور بررسی رابطه بین باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان گُرد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ۲ آمده است.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، در دانشجویان گُرد، مؤلفه‌های کاملاً مردانه، تقریباً مردانه و تقریباً زنانه با هیچ یک از خرده‌مقیاس‌های عملکرد خانواده و عملکرد کلی خانواده رابطه معنادار ندارند. بین مؤلفه دوجنسیتی با خرده‌مقیاس حل مسئله در پرسشنامه عملکرد خانواده، در سطح $p < 0/05$ رابطه معنادار مشاهده می‌شود.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کُرد

نمره کل	کنترل	پاسخگویی عاطفی	آمیختگی عاطفی	نقش‌ها	ارتباط	حل مسئله	شاخص آماری	مؤلفه‌ها
۰/۰۷۹	۰/۰۰۱	۰/۱۱۵	۰/۰۸۶	۰/۰۷۵	۰/۰۳۷	۰/۱۳۱	همبستگی	باور کاملاً مردانه
۰/۲۶۸	۰/۹۹۱	۰/۱۰۴	۰/۲۲۸	۰/۲۹۲	۰/۶۰۷	۰/۰۶۵	سطح معناداری	
۰/۱۶۶	۰/۱۴۹	۰/۱۴۶	۰/۱۸۱	۰/۱۰۳	۰/۱۰۵	۰/۱۶۲	همبستگی	کاملاً زنانه
۰/۰۱۹*	۰/۰۳۵*	۰/۰۴۰*	۰/۰۱۰*	۰/۱۴۸	۰/۱۴۰	۰/۰۲۲*	سطح معناداری	
۰/۰۷۸	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۸	۰/۰۹۹	۰/۰۱۵	۰/۱۶۸	همبستگی	باور دوجنسیتی
۰/۲۷۰	۰/۷۱۷	۰/۹۳۷	۰/۹۱۵	۰/۱۶۵	۰/۸۳۶	۰/۰۱۷*	سطح معناداری	
۰/۰۳۶	-۰/۰۳۰	۰/۰۶۹	۰/۰۵۲	۰/۰۰۴	۰/۰۲۸	۰/۱۱۴	همبستگی	باور تقریباً مردانه
۰/۶۱۳	۰/۶۷۸	۰/۳۳۲	۰/۴۶۵	۰/۹۵۶	۰/۶۹۶	۰/۱۰۶	سطح معناداری	
۰/۰۷۲	۰/۰۴۰	۰/۰۷۹	-۰/۰۰۴	۰/۰۳۱	۰/۰۸۶	۰/۰۶۷	همبستگی	باور تقریباً زنانه
۰/۳۱۱	۰/۵۷۱	۰/۲۶۴	۰/۹۵۹	۰/۶۶۰	۰/۲۲۳	۰/۳۴۵	سطح معناداری	

مؤلفه کاملاً زنانه با خرده‌مقیاس‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و همچنین با عملکرد کلی خانواده به ترتیب در سطح $p < 0/05$ رابطه معنادار دارد. به منظور مقایسه میانگین نمرات دانشجویان فارس و کُرد در عملکرد خانواده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج آزمون واریانس چند متغیره برای مقایسه عملکرد خانواده دانشجویان کُرد و فارس

مؤلفه	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
حل مسئله	کرد	۱۲/۲۵	۲/۶۴	۱/۴۲۳	۰/۲۳۴
	فارس	۱۲/۵۴	۲/۳۰		
ارتباط	کرد	۱۹/۸۵	۳/۶۰	۰/۰۴۳	۰/۸۳۶
	فارس	۱۹/۹۲	۳/۶۶		
نقش‌ها	کرد	۲۶/۲۰	۴/۲۶	۳/۴۷	۰/۰۶۶
	فارس	۲۵/۴۶	۳/۷۴		
آمیختگی عاطفی	کرد	۱۶/۶۵	۲/۷۸	۱۶/۵۵	۰/۰۰۰*
	فارس	۱۵/۵۲	۲/۷۶		
پاسخگویی عاطفی	کرد	۱۳/۵۱	۲/۸۲	۳/۰۰۵	۰/۹۴۳
	فارس	۱۳/۵۳	۲/۸۱		
کنترل	کرد	۲۰/۳۴	۳/۲۱	۳/۹۰۳	۰/۳۴۲
	فارس	۲۰/۰۴	۲/۹۹		
نمره کل	کرد	۱۳۴/۴۵	۱۸/۳۷	۱/۳۷۲	۰/۲۴۲
	فارس	۱۳۲/۳۰	۱۸/۳۳		

با توجه به جدول ۳ می‌توان گفت که بین این دو گروه در خرده‌مقیاس آمیختگی عاطفی در سطح $p < 0/0001$ تفاوت معنادار وجود دارد. در سایر خرده‌مقیاس‌ها و همچنین عملکرد کلی خانواده با هم تفاوت معنادار ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با هیچ‌یک از مؤلفه‌های پرسشنامه عملکرد خانواده و همین‌طور با عملکرد کلی خانواده رابطه معنادار ندارند. در بعضی از تحقیقات رابطه باورهای جنسیتی هر یک از والدین با باورهای جنسیتی فرزندان دختر یا پسر بررسی شده است. از آن جمله رولینز (۱۹۸۲)، ارتباط بین باورهای جنسیتی و تصور از خود مادران و دختران را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بین باورهای جنسیتی دخترها و مادرها ارتباط معناداری وجود دارد، ولی بین تصور از خود مادرها و دخترها رابطه معنادار وجود ندارد. مطالعه دیگر که در خصوص تأثیر والدین بر نقش جنسیتی نوجوان صورت گرفته، تحقیق اوربومنسکی (۱۹۷۹) (به نقل از خدابخشی، ۱۳۸۰) است. وی پی برد که دو جنسیتی بودن (وجود ویژگی‌های مردانه و زنانه تماماً در یک فرد) نوجوانان با درجه بالای سطوح مردانگی و زنانگی پدر و مادر و محیط ارتباط دارد. باید در نظر داشت که در این پژوهش اثر مداخله‌ای متغیرهایی مثل سن، محل سکونت، مذهب، تحصیلات، وضعیت تأهل و... مورد بررسی واقع نشده است. نتیجه به‌دست آمده نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی این گروه می‌تواند با دیگر عوامل مؤثر بر باورهای جنسیتی مثل مدرسه، رسانه‌ها، همسالان و... رابطه داشته باشد و از آنجایی که این نتیجه مربوط به گروه فارس زبان است، تصور می‌شود که شرایط خاص فرهنگی این گروه می‌تواند بر این عدم ارتباط تأثیرگذار بوده باشد. جامعه ما در این پژوهش دانشجویان بودند و از آنجا که دانشجویان در حال تجربه سطح تعامل وسیع‌تر و محیط علمی دانشگاهی هستند، باورهای جنسیتی آن‌ها ممکن است با عواملی متفاوت از سایر اقشار ارتباط داشته باشد.

یافته‌های به‌دست آمده نشان داد که در دانشجویان گُرد بین مؤلفه دوجنسیتی با خرده‌مقیاس حل مسئله در پرسشنامه عملکرد خانواده، در سطح $p < 0/05$ رابطه معنادار وجود دارد و هم‌چنین در این گروه مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و هم-چنین با عملکرد کلی در سطح $p < 0/05$ رابطه معنادار دارد. ولی بین سایر مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با پرسشنامه عملکرد خانواده و همین‌طور عملکرد کلی ارتباط معنادار وجود نداشت. ارتباط باور دوجنسیتی با مؤلفه حل مسئله حاکی از آن است که تفاوت افراد در داشتن و نداشتن باور دوجنسیتی می‌تواند با ویژگی‌ها و توانایی حل مسئله در رابطه با مسائل خانوادگی ارتباط داشته باشد. تحقیق بم و اسپنس، ۱۹۷۵ (به‌نقل از ظهروهوند، ۱۳۸۳)، نشان داد که افراد دارای باورهای دو جنسیتی به دلیل پرداختن به رفتارهای مردانه و زنانه و هم‌چنین جابه‌جایی این دو رفتار، سازگاری بهتری دارند. بنابر تحقیق بم و اسپنس می‌توان گفت که احتمالاً افراد دارای باورهای دوجنسیتی در حل مسائل خانوادگی موفق‌تر هستند.

با توجه به ارتباط مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و هم‌چنین با عملکرد کلی می‌توان گفت که باور کاملاً زنانه دانشجویان گرد با چگونگی حل مسائل خانوادگی، میزان آمیزش افراد خانواده، نشان دادن احساسات اعضاء به یکدیگر، کنترل رفتار اعضاء و عملکرد کلی خانواده‌های آن‌ها مرتبط است. این معناداری و تفاوت با نتایج سؤال ۱ پژوهش می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که متغیرهای گوناگون می‌توانند بر وجود رابطه بین باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده تأثیر بگذارند و با توجه به نتایج این دو سؤال تحقیق، قومیت و مسائل فرهنگی می‌توانند از جمله آن‌ها باشند. کولیک (۲۰۰۵)، در تحقیقی دریافت که مادرها و نوجوانان آسیایی-آفریقایی نسبت به هم‌تایان اروپایی - آمریکایی خود عقاید سنتی بیشتری درباره نقش‌های جنسیتی دارند. در نهایت، بین نگرش‌های جنسیتی و کلیشه‌های قومی والدین و فرزندان همبستگی وجود داشت. بنابراین تصور می‌شود که قومیت افراد، با برخی از باورهای جنسیتی آن‌ها رابطه دارد.

با توجه به نتیجه این سؤال می‌توان گفت که باورهای زنانه و دوجنسیتی گروه گرد با عملکرد خانواده‌های آن‌ها رابطه دارد و این احتمالاً ناشی از شرایط خانوادگی است؛ که این شرایط نیز خود تحت تأثیر عقاید و مسائل قومی و فرهنگی قرار دارند. از آنجایی که باورهای جنسیتی کاملاً مردانه، تقریباً مردانه و تقریباً زنانه در آن‌ها همانند گروه فارس با عملکرد خانواده رابطه‌ای ندارند می‌توان گفت که گروه‌های قومی خاص با وجود این که ممکن است با هم تفاوت‌هایی داشته باشند، ولی تا حدودی هم تحت تأثیر فرهنگ مسلط و عمومی جامعه قرار دارند و از دیگر عوامل تأثیرگذار مثل مدرسه و رسانه‌ها و... نیز تأثیر می‌پذیرند.

نتایج آزمون t به منظور مقایسه میانگین نمرات عملکرد خانواده دانشجویان گرد و فارس نشان می‌دهد که بین این دو گروه در خرده‌مقیاس آمیختگی عاطفی در سطح $p < 0.001$ تفاوت معنادار وجود دارد و در سایر خرده‌مقیاس‌ها و هم‌چنین عملکرد کلی با هم تفاوت معناداری ندارند. با توجه به نتایج حاضر، می‌توان گفت که تفاوت فرهنگی بین این دو گروه در مؤلفه آمیختگی عاطفی دیده می‌شود، که نشان می‌دهد خانواده‌های دانشجویان گرد و فارس در میزان آمیزش بین اعضاء و نشان دادن علائق و عواطف خود به دیگر اعضای خانواده با هم تفاوت دارند. این تفاوت می‌تواند ناشی از فرهنگ مسلط بر این خانواده‌ها باشد چرا که خانواده از بدو تشکیل دارای وظایف، نقش‌ها و کارکردهایی است که بخشی از آن وابسته به فرهنگ و بخش دیگر حالت جهان شمول دارد (لی پور ۲۰۰۶؛ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۵). نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مولد تحقیقاتی باشد که ارتباط باورهای جنسیتی را با سایر عوامل مورد بررسی و تحقیق قرار دهند. یکی از محدودیت‌های این مطالعه این است که عملکرد خانواده از خود دانشجویان پرسیده شده است نه از والدین آن‌ها. پیشنهاد می‌شود برای بررسی تأثیر فرهنگ‌های مختلف کشور در این زمینه، در آینده مطالعاتی بر روی فرهنگ‌ها و قومیت‌های دیگر انجام گیرد. سایر متغیرها مانند سن، وضعیت اقتصادی، وضعیت

تأهل و... که در این پژوهش کنترل نشده‌اند، مورد ملاحظه قرار گیرند. برای قابل تعمیم بودن نتایج به سایر اقشار، مطالعاتی در این زمینه بر روی سایر اقشار این قومیت‌ها و یا دیگر قومیت‌ها انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Bulut
2. Witt
3. Eccles
4. Jennings & Niemi
5. Zuckerman & Bareli
6. Oakley
7. Dalhouse & Frideres
8. Bem
9. Bonilla
10. Calvo
11. Konrad
12. Wood & Eagly
13. Echevarria1
14. Gergan
15. Pleck
16. Basow
17. Morrison
18. Chu, Porche, and Tolman
19. Barrett and White
20. Gershon et al
21. Wharton
22. Urberg
23. Galambos et al
24. Chambers, Tincknell, and Van Loon
25. Archer
26. Williams & Best
27. Campbell & Muncer
28. Matsumoto
29. Unger
30. Lindsey
31. Good, borst & wallace
32. Beavers & Hampson
33. Boszormenyi-Nagy & Spark
34. Minuchin & Fishman
35. Levy, Kim, and Pears
36. Bem Sex Roles Inventory
37. Family Assessment Device

منابع

- ابراهیمی، ج. (۱۳۸۵). مقایسه عملکرد خانواده و سلامت روانی فرزندان در خانواده‌های تک‌همسری و دوهمسری شهرستان خواف پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- برزگری، ح. (۱۳۸۶). بررسی رابطه باورهای جنسیتی و سبک‌های هویت با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های دولتی جنوب تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ثنایی ذاکر، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- خدابخشی کولائی، آ. (۱۳۸۰). مقایسه نقش جنسیتی آندروژن با نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه و بررسی رابطه آن‌ها با منبع کنترل درونی و بیرونی و حرمت نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ظهوروند، ر. (۱۳۸۳). رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی در رضایت از جنس. زن در توسعه سیاست، ۲ (۲)، ص ۱۲۵.
- حجازی، ا. (۱۳۸۰). باورهای جنسیتی دانش‌آموزان شهر تهران و رابطه آن با رضامندی روانی - اجتماعی (طرح پژوهشی). دفتر توسعه و برنامه‌ریزی امور پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- موسوی، م.، محمد خانی، پ.، کاویانی، ح. و دلاور، ع. (۱۳۸۵). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی - رفتاری بر کارکرد خانواده و اعتماد به نفس زنان مبتلا به اختلال افسرده‌خویی. خانواده پژوهی، ۲ (۵)، ص ۵.

میرزا جانی، ز. (۱۳۸۶). *رابطه کارکرد خانواده و سبک‌های هویت دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۸۶-۸۵*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- Calvo-Salguero, A., García-Martínez, J. M. A., & Monteoliva, A. (2008). Differences between and within gender in gender roles orientation according to age and of education. *Sex Roles, 58*(1), 535-548.
- Cunningham, M. (2001). The influence of parental attitudes and behaviors on children's attitudes toward gender and household labor in early adulthood. *Journal of Marriage and Family, 63*, 111-122.
- Drost, C. M. (2004). *Male gender role conflict in older men*. Unpublished doctoral dissertation, Columbia University, Columbia. <http://books.google.com>
- Englar- Carlson, A. J. (2004). *The relationship between parenting style and gender traits and attitudes*. Unpublished doctoral dissertation, The Pennsylvania state University, Pennsylvania. <https://library.villanova.edu>
- Ghazal R. J. (2003). The sources of gender roles attitude among Christian and Muslim Arab- American women. *Sociology of Religion, 64*(2), 207-222.
- Gazioglu, A., & Esra, I. (2008). Gender, gender roles affecting mate preferences in Turkish college students. *College Student Journal, 42*(2), Part B, p 603-616
- Kenneavy, K. (2008). *Adolescent gender attitudes: Structure and media influence*. Unpublished doctoral dissertation, University of North Carolina, Chapel Hill. <https://cdr.lib.unc.edu/indexablecontent>
- Kulik, L. (2005). Predicting gender role stereotypes among adolescents in Israel: The impact of background variables, personality traits, and parental factors. *Journal of Youth Studies, 8*(1), 111-129.
- Pennings, J. S. (2009). *The effects of a touch intervention on nurturing touch, family functioning, and child behavior*. Unpublished doctoral dissertation, Texas Christian University, Texas. <http://gradworks.umi.com>
- Rollins, J. (1982). The relationship between mother s and daughter s sex role attitudes and self- concepts in three types of family environment. *Sex Role, 8*(11), p 1141-1155.
- Shearer, C. L. (2007). *Gender socialization in the family*. Unpublished doctoral dissertation, College of Health and Human Development, The Pennsylvania State University, Pennsylvania. <http://etda.libraries.psu.edu>
- Sude, M. E. (2008). *Family of origin functioning and the likelihood of seeking romantic partner over the internet*. Unpublished doctoral dissertation, Graduate School of Syracuse University, Syracuse. <http://surface.syr.edu>
- Turkum, A. S., Kizil, T. A., Biyik, N., & Yemen, C., B. (2005). The investigation of University students' perceptions about family functioning. *Educational Sciences: Theory&Practice, 5*, 253-262.
- Valdez, A., & Halley, J. A. (1996). Gender in the culture of Mexican American conj unto music. *Gender and Society, 10*, 148-167.
- Wittman- McDonald, P. (2006). *Versus femininity: Does masculinity lead to battering?* Unpublished doctoral dissertation, The Department of sociology, San Joe's state University. <http://scholarworks.sjsu.edu>